

## آلبوم هنری جهانگیر: مرقع گلشن و دو نقاشی عادل شاهی

♦ استاد نذیر احمد

ترجمه: خان محمد صادق جونپوری\*

جهانگیر (۱۶۰۵-۱۶۲۷ م/۱۰۱۴-۱۰۳۷ ه) از علاقه‌مندان و حامیان بزرگ هنر بود و هنرمندان و نقاشان بسیاری به دربار وی روی آوردند که همگی از حمایت بی‌دریغ وی برخوردار شدند. وی نسخه‌های خطی فارسی تذهیب‌کاری شده را گردآوری کرد و آلبومی از نمونه‌های مختلف نقاشی و خطاطی ترتیب داد. وی روی تمام نسخه‌های خطی که به کتابخانه شخصی وی آورده می‌شد، مطالبی در مورد اهمیت آن نسخه می‌نوشت.<sup>۱</sup> وی خود از نقادان خیره هنر بود.

بسیاری از نقاشان دوره اکبر مانند ابوالحسن، بیسانداس، فرخ بیگ، گوردهن، آنت، منوهر و... به کار خود در دربار جهانگیر ادامه دادند. جهانگیر علاقه خاصی به ابوالحسن فرزند آقا رضا داشت و بر این عقیده بود که وی در زمینه نقاشی از پدر خود مهارت بیشتری دارد. وی تصویر تاجگذاری جهانگیر را برای سرورق کتاب

---

♦ روانشاد پروفیسور نذیر احمد، رئیس اسبق بخش فارسی، دانشگاه اسلامی علی‌گر، علی‌گر.

\* دانشجوی دکتری، دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. این نکته حایز اهمیت است که این توضیح‌نویسی محدود به نسخه‌های خطی تذهیب‌کاری شده نبود بلکه وی بر روی تمامی نسخ خطی که به کتابخانه وی آورده می‌شد توضیحاتی می‌نوشت. من خود حدود صد نسخه خطی با توضیحات جهانگیر را در کتابخانه‌های مختلف جهان دیده‌ام. دو نسخه خطی کتابخانه وی در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه علی‌گر موجود است.

جهانگیرنامه نقاشی کرد و پادشاه به پاس این خدمت وی را به لقب نادرالزمان مفتخر کرد. جهانگیر در مورد استاد منصور، یکی دیگر از نقاشان آن زمان، می‌نویسد:

”وی در زمینه نقاشی در بین معاصران خود ممتاز و ملقب به نادرالعصر است“<sup>۱</sup>.

جهانگیر به پیشانداس نیز خیلی علاقه داشت و در سال ۱۶۱۷/۱۰۲۷ وی را همراه هیئتی به ایران فرستاد تا چهره شاه و افراد سرشناس دیگر را به تصویر بکشد. جهانگیر از نتیجه کار وی خیلی راضی بود و فیلی به وی هدیه کرد. فرخ بیگ نیز در دربار جهانگیر از مقام بالایی برخوردار بود و در ۲۲ ماه رمضان سال ۱۶۲۷/۱۰۳۷ فیلی به وی اهدا شد.<sup>۲</sup>

جهانگیر علاقه خاصی به تهیه آلبوم هنری داشت و برای این منظور هنرمندان برجسته‌ای را به کار گرفت تا آلبوم‌هایی شامل تصویر چهره، نقاشی مینیاتور، خطاطی و انواع دیگر هنری طراحی شوند. زیباترین آلبوم جهانگیر، آلبوم شخصی وی بود که مرقع گلشن نام داشت و نماینده هنر گورکانی در قرن ۱۷ میلادی بود. تاکنون حدود ۱۲۰ برگ از این آلبوم کشف شده است. ۸۸ برگ از آن در موزه باستانی تهران قرار دارد. ۸ برگ آن را کتابخانه شاهی ایران خریداری کرد و در سال ۱۹۵۶ به شهر پراگ (کشور چکسلواکی) قرض داد. قسمت دیگری از آلبوم اصلی در سال ۱۸۶۱ م. توسط سفیر روس در ایران به اروپا برده شد که ۲۵ برگ آن در کتابخانه برلین نگهداری می‌شود و تعدادی از آنها توسط کوهنال و گوتز بازسازی و چاپ شده است. (برن، ۱۹۲۴ م.) و در کتاب نقاشی‌های هندی اثر همین نویسنده نیز آورده شده است. (لندن، ۱۹۲۶ م.) برگ‌های دیگر این آلبوم در مجموعه‌های اروپایی دیگر مانند مجموعه مارتیو (پاریس) قرار دارند که دو نقاشی بازسازی شده از آن در کتاب نقاشی‌های هند آورده شده است. دو برگ این آلبوم در موزه ناپارستیک در شهر پراگ (چکسلواکی) موجود است و لوبر هاجک آنها را در کتاب مینیاتورهای هندی مکتب مغول بازسازی کرده است. (لندن، ۱۹۶۰)

۱. توزک، ج ۲، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۵۹.

این آلبوم طبق کتیبه روی آن که به خط جهانگیر است، بین سال‌های ۱۰۱۷/۱۶۰۸ م. عمل بشنداس<sup>۱</sup> صورت راجه سورج سنگ طغایی خرم ۱۰۱۷ عمل کمترین خانه‌زادان گووردهن جهانگیر شاهی ولد بهوانی داس ختم شد سنه ۱۰۱۸. سنه ۱۰۲۳ شبیه بخترخان کلاونت که داماد عادل خان می‌شود در اجمیر آمده ملازمت نمود.

در کتابخانه حضرت ظل الهی نورالدین محمد جهانگیر پادشاه غازی صورت تمام یافت سنه حد (یعنی ۱۲ سال جلوس) شبیه خان خانان... رقم منوهر سنه ۱۳ جلوس شبیه راو بهاره<sup>۲</sup> زمیندار ولایت کچ رقم گووردهن سنه ۱۳ جلوس مطابق سنه ۱۰۲۷ در بلده احمدآباد به ملازمت حرره نورالدین جهانگیر بن اکبر پادشاه غازی بهاره مذکور از زمینداران معتبر صوبه گجراتست و به دیدن هیچیک از حکام این دیار نیامده است. در این آلبوم هنری، آثار مینیاتور، خطاطی و نقاشی‌های متعددی موجود است ولی من در این مقاله فقط درباره دو تصویر یکی متعلق به ابراهیم عادل‌شاه دوم، حاکم بیجاپور و معاصر اکبر و جهانگیر، و دیگری تصویر یکی از درباریان وی به نام بخترخان کلاونت توضیحاتی می‌دهم. در ابتدا من در مورد تصویر بخترخان کلاونت توضیحاتی می‌دهم. این تصویر در آلبوم هنری جهانگیر در کتابخانه دولتی برلین محفوظ است. این تصویر فقط قسمتی از

۱. نقاشی‌های هند (انگلیسی)، ص ۹ و ۱۰

۲. در کتاب توزک صفحه ۶۸ چنین نوشته شده است: در بیست و پنجم (فروردین) راجه سورج سنگ طغایی فرزند خرم آمده ملازمت نمود. وی به احتمال زیاد در تاریخ ۲۷ ذی الحجه سال ۱۰۱۶ ق. به دربار آمد و برای مدتی آن جا بود. این نقاشی در اوایل سال ۱۰۱۷ کشیده شده است. برای اطلاعات بیشتر در مورد سورج سینگ به ترجمه انگلیسی توزک (صفحات ۱۴۰ و ۱۴۱، ۱۵۳، ۲۹۱ و ۲۹۳) مراجعه کنید.

۳. جهانگیر ورود راو به دربار خود را در سیزدهمین سال جلوس در ۲۴ تیرماه سال ۱۰۲۷ هجری چنین توضیح داده است: روز یکشنبه بیست و چهارم رای بهاره آستان بوس دریافت، در ملک گجرات کلانتر ازین زمینداری نیست می‌گویند بدین هیچ یک از سلاطین گجرات نیامده. الخ

صفحه را پر می‌کند. برگ ۴ ب از آلبوم شامل نقاشی‌های عبدالله خان، خضر، بخترخان و عبدالوهاب است. این نقاشی‌ها دارای حاشیه با گل‌کاری و برگ‌های نوک تیز هستند که با طلا کشیده شده‌اند.

قسمت دیگر برگ یعنی برگ ۴ الف شامل موارد زیر است: نمونه خط در پس زمینه طلایی و حاشیه گلدار نقاشی منظره مطلا و اشکال پراکنده الهام گرفته شده از طرز اروپایی با سایه مطلا و رنگ روشن.

سه نفر دیگر که تصویر آنها همراه با تصویر بخترخان روی برگ ۴ ب دیده می‌شود عبارتند از:

۱. عبدالله خان<sup>۱</sup> شاید همان عبدالله فیروز جهان باشد که در زمان جهانگیر و شاهجهان مناصب مهمی را در دست داشته است و در سال ۱۰۵۴/۱۶۴۴ در شهر الله‌آباد درگذشته است.
  ۲. عبدالوهاب<sup>۲</sup> فرزند حکیم علی پزشک اکبر است. وی در سال ۱۰۳۰/۱۶۲۰ به دلیل شرکت در یک اخاذی از سمت خود معزول شد ولی بعدها دوباره ابقا شد.
  ۳. خضر خان خاندیشی<sup>۳</sup>: حاکم معزول خاندیش و برادر وی احمد مدتی با جهانگیر بودند. در سال ۱۰۲۹/۱۶۱۹ مبلغ دوهزار روپیه به خضر داده شد. در سال ۱۰۳۰/۱۶۲۰ در زمان اقامت پادشاه در گوکولا، هر دو برادر منتظر پادشاه بودند و بعد از مدت کوتاهی روستایی در نزدیکی آگرا به آنها داده شد و در آخر حقوق بازنشستگی به مبلغ سی هزار سالانه برای آنها در نظر گرفته شد.
- هر سه تصویر مذکور و نیز تصویر بخترخان با دست نوشته پادشاه زینت یافته است. (بدون ذکر نام) در سمت راست تصویر از بالا به پایین چنین نوشته شده است:
- ”سنه ۱۰۲۳ شبیه بخترخان کلاونت که داماد عادل خان می‌شود در اجمیر آمده ملازمت نمود.“

۱. ن.ک. توزک (ترجمه انگلیسی) ج ۱، ص ۱۵۵، ۲۱۳، ۲۱۹-۲۱.

۲. همان، ج ۲ ص ۱۵۷ و درباره پدر وی ن.ک. همان، ج ۵ ص ۶۸، ۱۵۲ و ۱۵۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۹۸، ۱۹۶، ۸۳ و ۲۱۱.

نکته جالب این نوشته آن است که حروف نقطه‌دار در کلمات شبیه، کلاونت، عادل خان، شود و ملازمت نمود بدون نقطه نوشته شده‌اند. نقطه حرف خ در کلمه بختر در بالای آن نوشته نشده بلکه در زیر آن سه نقطه بدون هیچ ترتیب خاصی آورده شده است. اگرچه نام پادشاه در متن نیامده ولی به دلایل زیر این نوشته به خط خود پادشاه است:

۱. نوشته‌ای با این ویژگی‌ها خیلی شبیه نوشته‌های جهانگیر است که به فراوانی در نسخه‌های خطی و تصاویر آن زمان موجود است و نیز خیلی شبیه نوشته توزک جهانگیری موجود در موزه ملی هند در دهلی نو است.
۲. جهانگیر در سال ۱۶۱۴/۱۰۲۳ در شهر اجمیر بود و طبق گفته توزک، بختر خان کلاونت در سال ۱۰۲۳ به اجمیر رسید و منتظر شاه ماند.

تصویر بخترخان دارای ویژگی‌های سبک نقاشی مکتب گورکانی است و به احتمال زیاد به دستور جهانگیر توسط نقاش مشهوری در دربار وی کشیده شده است. تصویر شخصیت‌هایی که به دربار جهانگیر می‌آمدند به دستور وی توسط نقاشان مشهور کشیده می‌شد. بسیاری از این گونه تصاویر در برگ‌های موجود مرقع گلشن به چشم می‌خورند. نکته جالب توجه این است که کتیبه‌های این نقاشی‌ها که بیشتر به خط امپراطور می‌باشد، با خط وی در توزک جهانگیری مطابقت دارد. تصاویر بختر خان، سوراخ سینگ، راؤ بیهارا، جیم<sup>۲</sup> و دیگران مبین این امر هستند و به جز تصویر آخر، بقیه تصاویر دارای نوشته‌هایی به خط امپراطور هستند که مقایسه آنها با صفحات توزک جهانگیری نشان می‌دهد که تاریخ این نقاشی منطبق با تاریخ ثبت واقعات در توزک است.

مورخان عادل‌شاهی و حتی دکنی درباره کلاونت که نامش حداقل در سه مورد در توزک<sup>۴</sup> و تواریخ دوره گورکانی<sup>۵</sup> آمده است، چیزی نمی‌گویند.

۱. ن.ک. توزک، متن فارسی، ص ۶۸ و ترجمه انگلیسی جلد اول، ص ۴۱-۱۴۰

۲. همان، ص ۳۷-۲۳۶، ترجمه انگلیسی جلد دوم، ص ۴۱-۱۴۰

۳. همان

۴. متن فارسی، ص ۱۳۴، در همین ایام بختر خان کلاونت به عادل خان نسبت تمام دارد چنانچه برادرزاده خود را به عقد او در آورد. الخ.

۵. ن.ک. وارث، بادشاه نامه، موزه بریتانیا، نسخه خطی شماره ۴۳۸

پس این مسئله واضح است که بخترخان کلاونت که در کتب مذکور از وی سخن به میان آمده، همان کسی است که تصویرش در آلبوم جهانگیر موجود است. وی موسیقی‌دان و خواننده بود و در خواندن آهنگ دهریت چنان مهارتی داشت که ابراهیم عادل‌شاه وی را خلیفه خود قرار داده بود تا به شاگردانش خوانندگی تعلیم دهد. سلطان از کار وی خیلی راضی بود تا جایی که برادرزاده یا خواهرزاده خود را به ازدواج وی درآورد که این امر بیانگر موقعیت اجتماعی موسیقی‌دانان در آن زمان است.

بخترخان سیاستمدار موفقی نیز بود و ابراهیم عادل‌شاه او را برای بار دوم به دربار جهانگیر فرستاد. در مورد ازدواج بخترخان با برادرزاده یا خواهرزاده ابراهیم عادل‌شاه، در بادشاه نامه<sup>۱</sup> محمد وارث مطالبی ذکر شده است.

بخترخان چهار ماه در دربار جهانگیر در شهر اجمیر بسر برد. وی در دوازدهم اردیبهشت/ربیع‌الاول سال ۱۰۲۴ هجری (۱۶۱۵ م.) اجازه بازگشت به بیجاپور یافت. از عبارت توزک جهانگیری چنین برمی‌آید که ابراهیم عادل‌شاه روابط دوستانه‌ای با دربار مغول نداشت و او سعی می‌کرد از طریق ارسال پیغام به دست بخترخان او را به طرف خود جذب کند. در آن زمان بخترخان به سیاستمدار مجربی تبدیل شده بود و ابراهیم عادل‌شاه بار دیگر او را همراه با سید کبیر به دربار مغول فرستاد. در آن زمان روابط عادل‌شاه و دربار مغول به کوشش جمال‌الدین حسین انجو و سید کبیر تا حدودی به حالت عادی برگشته بود. دو دیپلمات یاد شده یعنی بخترخان و سید کبیر در احمدآباد منتظر جهانگیر ماندند. به هر حال آنها در تاریخ چهارم ماه مهر سال ۱۰۲۴ هجری/۱۶۱۵ اجازه یافتند تا به بیجاپور بازگردند.

نکته جالب توجه این است که ابراهیم عادل‌شاه می‌خواست تصویری از جهانگیر را داشته باشد و وی نیز تصویری از خود را که توسط یکی از نقاشان برجسته دربار کشیده شده بود، برای ابراهیم عادل‌شاه ارسال کرد که روی آن یک رباعی تحریر شده بود که شاید سروده خود امپراطور و به طور حتم توسط خود وی کتابت شده بود.

۱. موزه بریتانیا، نسخه خطی، ص ۴۳۸

جهانگیر نیز به نوبه خود می‌خواست صفحه‌ای از آلبوم خود را با تصویر ابراهیم عادلشاه زینت بخشد. اگرچه تصویری که جهانگیر به ابراهیم عادلشاه هدیه کرده بود، گم شده است ولی تصویر ابراهیم عادلشاه در آلبوم جهانگیر، چنانچه قبلاً نیز گفته شد، اخیراً در موزه پراگ یافت شده است و لوبر هاجک آن را در کتاب مینیاتورهای هندی مکتب مغول (۱۹۶۰) بازسازی کرده است و در نهایت توسط بنده در مجله ایران سوسایتی چاپ شد.

این تصویر دارای دو کتیبه است. کتیبه اول در قسمت بالای تصویر قرار دارد: "الله اکبر شبیه ابراهیم عادلخان دکنی طرفدار بیجاپور که در علم موسیقی دکن خود را سرآمد اهل آن فن می‌داند".

کتیبه دوم در قسمت پایین تصویر در یک خط مستقیم در دو بخش نوشته شده است: "و عمل فرخ بیگ فی سنه جلوس مبارک ۱۰۱۹، بنده کمترین محمد حسین زرین قلم جهانگیر شاهی تحریر نمود".<sup>۱</sup>

آقای هاجک<sup>۲</sup> درباره این تصویر چنین می‌نویسد:

این تصویر به دو دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اول این که این تصویر از تصاویر هم عصر سلطان بیجاپور است، چنانچه از کتیبه روی آن بر می‌آید و دوم این که اکثر تصاویر این منطقه در اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ کشیده شده‌اند و برخی از آنها هیچ کتیبه‌ای ندارند.

آقای هاجک این تصویر را هم عصر می‌داند یعنی ابراهیم عادلشاه روبروی فرخ بیگ نشسته و وی تصویر او را در بیجاپور در سال ۱۰۱۹ هـ کشیده است. ولی سال ۱۰۱۹ به پنجمین سال جلوس جهانگیر اطلاق شده است. جهانگیر در روز شنبه هشتم جمادی‌الثانی سال ۱۶۰۵/۱۰۱۴ به حکومت رسید و پنجمین سال جلوس از روز یکشنبه بیست و چهارم ذی‌الحجه ۱۶۰۹/۱۰۱۸ آغاز و روز پنجم محرم ۱۶۱۱/۱۰۲۰

۱. بخش اول که به ۱۰۱۹ هجری ختم می‌شود از بخش دوم که با بنده کمترین. محمد حسین الخ آغاز می‌شود، با یک گل روی یک شاخه کوچک جدا شده است.

۲. مینیاتورهای هندی مکتب مغول (انگلیسی)، ص ۷۱-۷۳.

خاتمه یافته است. یعنی پنجمین سال جلوس جهانگیر در سه سال واقع شده است. پنج روز در سال ۱۰۱۸/۱۶۰۹ هجری، ۳۵۶ روز در سال ۱۰۱۹/۱۶۱۰ هجری و ۵ روز در سال ۱۰۲۰/۱۶۱۱ هجری و به این صورت این تاریخ با تاریخ روی کتیبه که در آن پنجمین سال جلوس با تاریخ ۱۰۱۹ هجری برابر دانسته شده، مطابقت دارد. پس تاریخ مذکور در کتیبه به دور جهانگیر اطلاق شده است و نه ابراهیم عادل‌شاه.

نکته دیگر این که کاتب محمد حسین خود را جهانگیر شاهی خوانده است و وی باید به پنجمین سال جلوس جهانگیر اشاره کند و نه ابراهیم عادل‌شاه و ما می‌دانیم که محمد حسین به دربار جهانگیر وابسته بوده است و در سال ۱۶۱۰/۱۰۱۹ در آگره بوده است. خلاصه این که معنای معاصر بودن این تصویر آن است که تصویر به طور حتم در حیات عادل‌شاه کشیده شده ولی نه در بیجاپور بلکه در جایی در شمال هند و در سال ۱۶۱۰/۱۰۱۹.

آقای اسکلتن با اختلاف در جزئیات، با این نظر هاجک که این تصویر در بیجاپور کشیده شده است، موافق است. وی در نامه مورخه دوم آگوست سال ۱۰۶۱ خطاب به من چنین می‌نویسد:

”من با بیشتر دلایل شما درباره تشکیک یا رد نظریاتی درباره فرخ حسین و ظهوری موافقم. ولی تاکید می‌کنم که احتمال زیادی وجود دارد که فرخ بیگ برای مدتی در بیجاپور کار کرده باشد اگرچه دلیل این سفر و شرایط اقامت او در بیجاپور بر ما واضح نیست. اکنون شواهد بیشتری به دست آمده که نقاشی‌های مشهور این نقاش را به دکن و به ویژه بیجاپور مرتبط می‌کند. من الان نمی‌توانم تمامی این شواهد را در اینجا نقل کنم ولی شما می‌توانید شاهد خیلی مهمی را در کتاب مینیاتورهای هندی مکتب مغول (لندن، ۱۹۶۰) اثر لوبر هاجک در قالب یک تصویر ابراهیم عادل‌شاه ثانی و درباریان وی ببینید.

ما به مشکل می‌توانیم این نظر آقای اسکلتن را بپذیریم که تاریخ ۱۰۱۹ ه.ق. (۱۰۱۰ ه.ق اشتباه است) به تاریخ کتیبه نویسی محمد حسین روی نقاشی اشاره می‌کند و نه تاریخ نقاشی. کاتب خود آنها را (سال جلوس و تاریخ) به تصویر نسبت داده است و به همین خاطر آنها همراه با نام هنرمند فرخ بیگ ظاهر شده‌اند و نه با اسم وی.



حضور فرخ بیگ در سال ۱۰۱۹ در دربار مغول حتمی است چرا که فقط چهار ماه قبل از آن وی در تاریخ بیست و دوم ماه رمضان سال ۱۰۱۸ جایزه‌ای به مبلغ دو هزار روپیه از امپراطور دریافت کرده بود.

نکته دیگر این است که ابراهیم عادلشاه، به سبک نویسندگان شمال هند به شمول جهانگیر، ابراهیم عادل خان خوانده شده است چرا که آنها قلمروی آزاد پادشاهان دکنی را با وجود تضاد با حقایق تاریخی قبول نداشتند. به همین دلیل ما می‌بینیم که حاکم بیجاپور در این تصویر به جای سلطان بیجاپور به عنوان طرفدار بیجاپور معرفی شده است. این نکته به تنهایی برای ابطال این نظریه که این تصویر در بیجاپور کشیده شده است، کافی است. این تصویر به طور حتم در شمال هند و از روی تصویر دیگری از ابراهیم عادلشاه ثانی کشیده شده است چرا که در این تصویر وی کمی جوان‌تر به نظر می‌آید در حالی که در آن سال وی نباید چنین باشد.

آقای هاجک چنین اظهار نظر می‌کند: ظاهراً این نظریه اسکلتن قابل قبول است که فرخ حسین برای چندین سال در دربار بیجاپور فعالیت کرده و وی همان کسی است که در تواریخ بیجاپور از او با عنوان نقاش فرخ حسین یاد شده است.

من این موضوع را در مقاله خود در مجله اسلامیک کلچر مجلد XXXV شماره دوم مورد بحث قرار داده و ثابت کرده‌ام که نظر آقای اسکلتن درباره بیجاپور اشتباه است و این دو هنرمند دو شخصیت جداگانه هستند. آقای اسکلتن در نامه بعدی خود به من، نظر خود را در این مورد تغییر داده است. من برخی از قسمت‌های این نامه را نقل می‌کنم:

”من امروز مقاله شما را درباره فرخ بیگ در مجله اسلامیک کلچر خواندم و با نتیجه‌گیری نهایی شما موافق هستم و یکی دانستن فرخ حسین و مولانا فرخ حسین اشتباه است.“

اکنون ما تمام یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها را بررسی می‌کنیم. تمامی نسخه‌های چاپی و خطی سه نثر ظهوری نام این هنرمند را بدون هیچ کنیتی که دال بر محل تولد وی باشد، ذکر کرده‌اند. از آن جایی که نام وی فقط یک بار در این کتاب آمده و در هیچ کتاب

دیگری ذکر نشده است، پرواضح است که دکتر عبدالله و دکتر موتی چاند هر دو در مورد این موضوع که شیراز محل تولد احتمالی این هنرمند است، اشتباه کرده‌اند.

بدون کمترین شک و تردیدی می‌توانیم بگوییم که ما درباره محل تولد فرخ حسین چیزی نمی‌دانیم و وی یقیناً متعلق به شیراز نبوده است. من در مقاله خود درباره فرخ حسین که در مجله اسلامیک کلچر چاپ شده است، درباره نتیجه‌گیری اشتباه دکتر موتی چاند بحث کرده‌ام.

آقای اسکلتن سعی کرده است تا مولانا فرخ حسین و فرخ بیگ را یکی جلوه دهد. ولی وی برای این نظریه خود دلیل موجه‌ای ارائه نکرده است. این امر پرواضح است که دو نفر با نام یکسان را نمی‌توان فقط به این دلیل که نام آنها یکی است، یکی دانست و این دو هنرمند را با این که نام آنها اندکی باهم فرق دارد - یکی مولانا فرخ حسین و دیگری فرخ بیگ - نمی‌توان یکی دانست. و این دلیل که ظهوری نام خانوادگی هنرمند را می‌دانست و نام کامل وی را نقل کرده است و لفظ بیگ در دربار مغول به او اعطا شده است، قابل دفاع نیست. واقعاً عجیب است که وی در دربار اکبر فرخ بیگ خوانده می‌شد، در بیجاپور مولانا فرخ حسین بود و در دربار جهانگیر باز فرخ بیگ خوانده می‌شد.

اکنون من مطالب دیگری درباره کتیبه این تصویر بیان می‌کنم. این کتیبه ادعا می‌کند که ابراهیم عادل‌شاه ثانی استاد برتر فن موسیقی است. این امر حقیقتی است که کتاب نورس وی آن را ثابت می‌کند. این کتاب شامل سروده‌های وی در راگ‌ها و راگنی‌های مختلف موجود در موسیقی هندی است. این کتاب در نوع خود منفرد است چرا که در آن کتاب سعی شده است تا نظام خیال و دروید و دروپت را که در موسیقی شمال هند رایج هستند، با یکدیگر ترکیب شود. امپراطور جهانگیر نقش ابراهیم عادل‌شاه در موسیقی هندی را به رسمیت می‌شناخت و ساعتها به موسیقی دروپت که ابراهیم عادل‌شاه آن را نوشته بود و توسط بخت‌رخان نواخته می‌شد، گوش می‌کرد.

در تصویر مورد بحث ابراهیم عادل‌شاه گیتاری در دست دارد و این امر نشان دهنده علاقه وی به این ابزار موسیقی است. وی آلت موسیقی مخصوصی به نام موتی خان داشت و در کتاب نورس و نیز نوشته‌های شاعران دربار وی به آن اشاره شده است. من به چند نمونه اشاره می‌کنم:

سنجر کاشی، یکی از شاعران دربار ابراهیم عادل‌شاه ثانی، در شعر زیر به موتی خان چنین اشاره کرده است:

رواست کورنش و تسلیم<sup>۱</sup> از آن به موتی خان

که شاه چون خلقانش گرفته در دامن

دری که دامن شاهش صدف بود شاید

که جان فشاندش از مهر دایه معدن

ظهوری و ملک، دو شاعر برجسته دربار، ۱۲۸ رباعی برای این گیتار سروده‌اند. من فقط یک رباعی از هر کدام از این دو شاعر را در این جا به عنوان نمونه نقل می‌کنم: ساز تو ز نغمه گشت لاهوی خان گسترده ز نغمه‌های ناسوتی خان بحرین و بدخشان چو مخاطب گشتند شد دست تو لعل و او موتی خان چند جمله‌ای درباره محمد حسین کشمیری، خوشنویس، نیز باید گفته شود. وی از استادان خوشنویسی دوره اکبر و جهانگیر بود و ابوالفضل استادی او را چنین مورد ستایش قرار داده است:

”عبدالباقی نهاوندی او را از ملا عبدالرحیم عنبرین قلم، خوشنویس نامور هرات، برتر می‌داند. امپراطور جهانگیر چنان تحت تاثیر هنرمندی وی قرار گرفت که به عنوان قدردانی از او، در تاریخ ۲۲ ماه رمضان سال ۹/۱۰۱۸ دسامبر سال ۱۶۰۹ م یعنی چهارمین سال جلوس خود، فیلی به او هدیه داد. الحال در هندوستان بعد از ملا محمد حسین کشمیری، بهتر از وی نیست و رعایت‌های کلی و انعام‌های نمایان در ایام ملازمت یافت“<sup>۲</sup>.

چند نمونه از آثار خوش‌نویسی محمد حسین کشمیری در دست ما موجود است. پروفیسور محمد محفوظ‌الحق از شهر کلکته هند، به تعدادی از آنها در مقاله خود در مجله مسلم ریویو، کلکته سال ۱۹۲۷ اشاره کرده است. یکی از نمونه‌های مهم آن نسخه

۱. وارسته‌مل سیالکوتی نقل می‌کند که زمانی که شاه می‌خواست موتی خان را از جایی به جای دیگر منتقل کند، آن را روی تختی می‌گذاشتند و به دنبال آن پرجم شاهی و تعدادی شیپور حرکت می‌کرد و اشرافی که همراه آن بودند، با خم شدن به آن ادای احترام می‌کردند.  
۲. مآثر رحیمی، عبدالباقی نهاوندی، ص ۹۳۴، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ایران

پر زرق و برق بهارستان جامی است که در آن نقاشی‌های هنرمندان معروف دربار اکبر همچون مسکین، مدهو، مکوند، باسوان، لال، خون، بال چند، و... موجود است. این نسخه مدتی در مجموعه خصوصی شاهجهان بوده است چنانچه از امضای امپراطور روی برگ اول مشخص است.

نمونه زیبای دیگری از خوش‌نویسی این هنرمند در یک مجموعه فارسی به چشم می‌خورد که در کتابخانه بانکی‌پور شهر پتنا محفوظ است. این نسخه شامل دو مینیاتور زیبا اثر دو نقاش دربار اکبر یعنی فرخ و شنکر است.

یک نسخه خطی مهم دیوان حسن که به دست محمد حسین در سال ۱۰۱۰ هجری برای شیخ فرید بخاری، از درباریان اکبر، کتابت شده است در کتابخانه بانکی‌پور محفوظ است.

این بود مطالبی درباره آلبوم جهانگیر و توضیحات نسبتاً کاملی درباره دو نقاشی عادل‌شاهی آن. من معترفم که این مباحث به هیچ وجه ذوق پژوهشی یک منتقد هنری را تسکین نمی‌بخشد چرا که من در حدی نیستم که وارد بحث‌های تخصصی نقاشی بشوم. من فقط جنبه تاریخی این نقاشی‌ها را بررسی کرده‌ام و خوانندگان حدس خواهند زد که من تا چه اندازه در رفع سردرگمی‌هایی که توسط منتقدان به وجود آمده است، موفق شده‌ام. باید به این نکته تاکید کرد که بدون بصیرت تاریخی و به صرف دانش فنی، اغلب نتایج اشتباه به دست می‌آید چنانچه درباره تصویر ابراهیم عادل‌شاه مشاهده شد. در پایان باید گفت که نقش تاریخ در رشته‌هایی مانند ادبیات و هنر نیز بسیار مهم است.